

## رباعیات خیّام و خیّامانه‌های پارسی، سیدعلی میرافضلی، سخن، تهران ۱۳۹۹، ۵۴۲ صفحه.

علی نویدی ملاطی\*

کتاب رباعیات خیّام و خیّامانه‌های پارسی در شمارِ آن دست از تألیفاتی است که بر اساس دغدغه فردی یک محقق در باب یک موضوع خاص شکل می‌گیرند. در واقع، این اثر صورت تکمیل‌شده کتاب رباعیات خیّام در منابع کهن است که پیش‌تر، از همین نویسنده به چاپ رسیده است. از ارزش‌های این کتاب اهتمام مؤلف به رصد کردن جدیدترین تحقیقات صورت‌گرفته درباره خیّام و شعر او و استفاده از تمام منابع به‌ویژه دست‌نویس‌های مرتبط با اشعار خیّام است. مؤلف کار خود را در دو دفتر سامان داده است: دفتر اول، رباعیات حکیم عُمر خیّام نیشابوری؛ دفتر دوم، منتخب خیّامانه‌های پارسی.

### دفتر اول

در دفتر اول که بخش اصلی و مفصل‌ترین بخش کتاب است، به مطالب گوناگونی از زندگی خیّام تا اشعار او پرداخته شده است. مؤلف، در بخش زندگی خیّام، تقریباً تمام زوایای زندگی او را کاویده و از جزئی‌ترین تحقیقات صورت‌گرفته در این حوزه غافل نشده است؛ به طوری که می‌توان با مطالعه این بخش از کتاب، از مُجمَل آنچه تا زمان چاپ کتاب درباره خیّام به نگارش درآمده، که آحياناً با نگاه انتقادی مؤلف نیز همراه است، اطلاع یافت. عمده اشعار خیّام به زبان فارسی است، اما تعدادی شعر عربی نیز از او به روزگار ما رسیده است. در بخش مربوط به رباعیات خیّام،

---

\* ali.navidimalati@gmail.com

از اشعار عربی او که در منابع نزدیک به زمانش همچون طرائف الطّرف، اثر بارع هروی بغدادی، روایت شده، یاد شده است. به غیر از رباعی، یک قصیده و دو قطعه فارسی نیز از خیام در دست است. (ص ۳۳-۳۲)

در بخش زندگی‌نامه‌ای به زندگی و آثار خیام، اشعار او و ستاینندگان و نکوهندگان و نیز افسانه وجود دو خیام که برخی نویسندگان طرح کرده‌اند پرداخته شده است. در کنار ستایش‌هایی که در طول تاریخ از دانش و نبوغ خیام صورت گرفته، «کسانی هم بودند که از سر غیرت دینی، تعصب و جهل یا حسادت با او دشمنی می‌ورزیدند» (ص ۳۵). عطار نیشابوری، نجم دایه رازی و شمس تبریزی، با نقل رباعی‌هایی از او، به مخالفت با اندیشه‌هایش برخاسته‌اند. قاضی نظام‌الدین اصفهانی نیز، با برگردان اشعار او به عربی، به ردّ چهار مورد از آن‌ها پرداخته است (ص ۳۶-۳۸). این نقل اشعار و مخالفت با آن از جمله ملاک‌های اصالت رباعیات خیام به شمار می‌آید.

در بخش مربوط به اشعار، به معیارهای سنجش رباعیات خیام، ارزیابی منابع، سبک‌شناسی قافیه، رباعیات سرگردان، روش انتخاب، و منظومه فکری و زبانی خیام پرداخته شده است. معیار سنجش و تشخیص محققان در تمییز رباعیات خیام از شعرهای منتسب به او متفاوت بوده است: برخی شناسایی «رباعیات سرگردان» را ملاک کار خود قرار دادند؛ گروهی تدوین مجموعه‌های خود را بر اساس «دست‌نویس پایه» طرح‌ریزی کردند؛ و عدّه‌ای دیگر «منابع کهن» را معیار تعیین و تشخیص رباعیات خیام قرار دادند. کریستن‌نیز، با کار بست چندین روش، معیارهایی برای انتخاب رباعیات پیشنهاد کرده است؛ از جمله انتخاب «رباعیات تخلص‌دار»، «تکرار و تواتر» و یافتن «رباعیات کلیدی» و شاخص و ملاک قرار دادن آن‌ها برای تعیین دیگر رباعیات. «سبک قافیه» (چهارقافیه‌ای بودن)، «طرز بیان» («شکل کم و بیش منطقی و شبه‌استدلالی» به همراه سادگی زبان و بی‌توجهی به بازی‌های لفظی) و «گفتمان خیامیت» از دیگر ملاک‌هایی است که محققان بدان‌ها اشارت کرده‌اند. (ص ۴۴-۴۹)

مؤلف، با توجه به نقاط ضعف و قوت روش‌های طرح‌شده، سه معیار کاربردی را در این خصوص پیشنهاد می‌کند: اصل اول، توجه به منابع کهن، طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری و تواتر و تکرار رباعیات در آن‌ها؛ اصل دوم، توجه به رباعیات سرگردان که پالایش رباعیات منسوب به خیام از آثار دیگران است؛ اصل سوم، توجه به تحقیقات و یافته‌های علمی در مورد سبک

قافیه‌بندی رباعی در دوران حیات خیام. از نظر مؤلف، با به‌کارگیری این سه معیار، می‌توان منظومه فکری و زبانی خیام را در رباعیاتش پیدا کرد و تحلیل خود را بر پایه‌های استواری بنا نهاد. (ص ۵۲)

مؤلف رباعیات را به سه دسته «رباعیات اصلی»، «رباعیات محتمل» و «رباعیات جامانده» تقسیم کرده است.

**الف) رباعیات اصلی:** رباعیاتی هستند که حائز تمامی معیارهای مورد نظر مؤلف‌اند. در کنار معیارهای سه‌گانه یادشده، ملاک‌های جزئی‌تری نیز در نظر گرفته شده که عبارت‌اند از: ۱) داشتن قوافی چهارگانه؛ ۲) نداشتن ردیف؛ ۳) ذکر شدن در منبع کهن (ششم و هفتم) (ص ۲۶۰)؛ ۴) زبان کهنه؛ ۵) نداشتن مدعی و معارض؛ ۶) اشتغال بر مفاهیم کلیدی اندیشه خیامی (ص ۳۱۰)؛ ۷) تواتر (ذکر در منابع مستقل مختلف) (ص ۳۱۴)؛ ۸) داشتن ردیه یا پاسخ (ص ۳۱۶). مؤلف، با این معیارها، از میان ۱۵۶ رباعی منسوب به خیام در منابع کهن و منابع کمکی، بیست رباعی را به عنوان رباعیات اصلی و اصیل معرفی کرده است.

**ب) رباعیات محتمل:** در این بخش، ۴۹ رباعی آمده که چون حائز دو ویژگی از سه ویژگی یادشده درباره رباعیات اصیل‌اند، در این بخش ذکر شده‌اند.

**ج) رباعیات جامانده<sup>(۱)</sup>:** این ۵۱ رباعی مشکوک و از منظر انتساب به خیام مردودند. این رباعیات تنها در یک منبع به نام خیام آمده‌اند و سه‌قافیه‌ای‌اند، و در واقع، تنها یک ویژگی از سه ویژگی را دارا هستند. از نظر مؤلف، این رباعیات با آنکه انتسابشان به خیام مردود است، به مکتب خیام تعلق دارند «و نفی انتساب آن‌ها به خیام به منزله نفی ارزش‌های گوهرین این آثار نیست». (ص ۱۲؛ ۳۲۵، پانویس ۲)

### توضیحات ذیل اشعار

در مورد هر رباعی (به‌جز رباعیات بخش سوم)، بررسی شده که در منابع کهن و نیز در مجموعه‌های منسوب به خیام وارد شده یا خیر؛ اینکه هر رباعی آیا به شخص دیگری هم منسوب شده یا نه و اعتبار این انتساب در چه حد است. مؤلف در بررسی هر رباعی، چنانچه واژگان و عبارات و اصطلاحات یک رباعی را کهن تشخیص دهد، با ذکر نمونه‌هایی دیگر از نظم و نثر، بر کهنگی زبان رباعی و أحياناً اصالتش تأکید می‌کند. او نشانه‌های روزآمد شدن عبارات و اصطلاحات را نیز در رباعیات دنبال می‌کند و جا به جا به این تغییرات که مناسب ذوق و پسند جامعه درآمده اشاره

می‌کند (ص ۲۷۰). از جمله مواردِ روزآمد شدن رباعیات، حذف قافیۀ سوم برای زیباتر کردن و برجسته شدن مصراع چهارم، تبدیل عبارات و اصطلاحات کهن به عبارت جدیدتر و قابل فهم‌تر و... است.

### دفتر دوم

در این بخش، مؤلف به نقل آن دسته از رباعیات منسوب به خیام پرداخته که با اسناد و مدارک قطعی انتساب آن‌ها به شاعر حقیقی‌شان محرز شده، و از این کار با تعبیر «تفکیک امضا و اثر انگشت خیام از دیگران» (ص ۳۳۹) یاد کرده است. سرایش رباعی به سبک و سیاق خیام اندکی پس از مرگ وی آغاز شد و «مکتب خیامی» در حال شکل گرفتن بود. از این روست که در همان زمان افرادی چون نجم‌الدین رازی، که ترس پا گرفتن این نهال نورس را داشتند، با ذکر اشعاری از خیام در آثارشان به قصد نفی اندیشه‌هایی از آن دست، شروع به مخالفت با او و بالتبع با گسترش این مکتب کردند تا «مابقی رهروان این مکتب حساب کار دستشان بیاید». (ص ۳۴۰)

رباعیات خیام در قرن نهم و حدوداً سیصد سال بعد از مرگ وی تدوین شده‌اند. یاراحمد رشیدی تبریزی اولین کسی است که، با تدوین کتاب طرب‌خانه و با ذکر ۵۵۰ رباعی خیام در نه باب، در این خصوص اقدام کرده است. در بین تحقیقات امروزی، باید از تلاش‌های حسین دانش یاد کرد که در سال ۱۳۴۰ق رباعیات خیام را با ترجمه ترکی در استانبول منتشر کرده است.

در این قسمت، دیدگاه‌های دیگر گردآورندگان اشعار خیام در خصوص شعر او نقل و آحياناً نقد و در کنار آن، دیدگاه‌های برخی از نویسندگان مقالات نیز در این خصوص نقل شده است. در ادامه، مؤلف مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر خیام را، بر اساس نگرش مؤلفان جدید و قدیم، در پنج دسته کلی جای داده است: باور به یگانگی خدا، نارضایتی از گردش افلاک، باده‌پرستی و خوش‌باشی، اغتنام فرصت، و توصیه‌های اخلاقی. (ص ۳۴۵)

وی، در بخش دیگری از کتاب، مفاهیم کلیدی اندیشه خیامی را از منظری جزئی‌تر این‌گونه برشمرده است: دسترسی نداشتن به اسرار هستی، نداشتن اختیار در تنظیم امور جهان، غنیمت شمردن لحظات زندگی، راه نداشتن به درک رازهای هستی و سر در نیاوردن از چیستی آن. (ص ۳۱۰)

«پیوست‌ها و نمایه‌ها» در انتهای کتاب آمده، که دربرگیرنده فرهنگ لغات و اصطلاحات خاصی است که در اشعار خیام، رباعیات منسوب به او و خیامانه‌های شعر فارسی رایج است.

«نمایه رباعیات» بخش واپسین کتاب است که بر اساس قافیه مصراع نخست تنظیم شده است.

\*\*\*

### پیشنهادها

در ادامه، پیشنهادهایی می‌آید که می‌تواند در چاپ‌های بعدی کتاب به کار آید. بدیهی است مقصود نگارنده از این پیشنهادها، به هیچ رو، فرو کاستن تلاش‌ها و دقت‌های بسیار نویسنده نیست.

### رباعیات

- رباعیات خیام در سه بخش تنظیم شده: رباعیات اصلی، رباعیات محتمل، رباعیات جامانده. بهتر است برای هر کدام شماره‌ای جداگانه گذاشته شود (سه شماره جداگانه برای سه بخش) و برای تمامشان شماره مسلسل (به صورت مجزا، مثلاً داخل پرانتز) که خواننده دیگر مجبور نباشد بگوید مثلاً رباعی «آن قصر که بهرام». در این صورت، خواننده می‌تواند رباعیات را از روی بخش و شماره‌اش بشناسد و ارجاع دهد.

- به ضرورت وزن، گاهی حرکت‌هایی روی کلمات گذاشته شده است. مواردی هم ظاهراً از قلم افتاده است که لابد در چاپ‌های بعدی افزوده خواهد شد.

- خواه ناخواه، خواننده غیرمتخصص می‌خواهد این اشعار را بخواند و لذت ببرد ولو با تقسیم‌بندی دقیق مؤلف در دو بخش اول. شاید بد نباشد تا مجال انتقال برای دیگران فراهم نشده، صورت دیگری از رباعیات فراهم آید که تنها شامل رباعیات بخش اول و دوم (و اگر لازم دانسته شد، پیوستی از رباعیات دفتر دوم) به همراه صورت مختصر همان توضیحات و توضیح دیگر کلمات و عبارات لازم، البته در پا صفحه، باشد، تا این رباعیات اصیل در شمارگان بالاتر و قیمت کمتر عرضه شود، و در نتیجه، در سطح گسترده‌تری به مطالعه گرفته شود. این حق خیام است که، بعد از بیست و اندی سال زحمت مؤلف، صورت اصیل اشعارش به دست تعداد بیشتری از فارسی‌زبانان برسد.

### تصحیح متن رباعیات

- توضیحات مربوط به این بخش بهتر است ذیل عنوان خاصی در همان صفحه بیاید؛ مثلاً «ملاحظات تصحیحی» یا مانند آن، تا خواننده غیرمتخصص، در صورت تمایل نداشتن به خواندن این قسمت، از آن عبور کند.

- شاید بهتر بود تمام اختلافات نُسَخ مورد استفاده برای هر رباعی مثل دیگر متون تصحیح‌شده، ذیل همان رباعی ذکر می‌شد، که در این صورت مجال نقد و نظر بیشتر هم فراهم می‌شد. البته این کار صورت گرفته، اما در لابه‌لای توضیحات تقریباً گم شده است.

- درباره تصحیح متن رباعیات باید گفت که خوانش‌های دیگری نیز می‌توان پیشنهاد کرد، مثلاً ضبط «کارِ نانکو» (ص ۲۶۱) که بدون کسره هم می‌توان خواند.

- در مورد رسم‌الخط و حرکت‌گذاری کلمات: «چرخ مَخْنَثُ پرور» (ص ۲۶۵): وقتی دو جزء یک واژه مرکب با نیم‌فاصله نوشته شده، احتیاجی به نشانیدن علامت سکون روی آن نیست، یا حرکت‌گذاری غیر ضروری روی برخی کلمات مثل «پُخته گُن» (ص ۲۸۵) و «پَسْتیم و بُلندیم» (ص ۲۹۳) و مانند آن.

#### توضیحات

- مواردی در رباعیات باقی مانده که به گمانم نیاز به توضیح دارد؛ مثلاً تعبیر «از سر دست» (ص ۱۶۹) یا «در عهده چیزی بودن» (ص ۲۶۳)، که ممکن است برای همه مخاطبان روشن نباشد. اگر قرار بر توضیح است، چنین مواردی هم باید شرح داده شود. البته شیوه توضیح کاملاً صحیح است، به طوری که برای این کار عمدتاً از دیگر اشعار خیام یا اشعار کسانی که احتمالاً با تأثیر از اشعار خیام رباعی‌ای سروده‌اند استفاده شده است.

- گاه ترتیب کلمات در توضیح رعایت نشده. بهتر است کلمات نیازمند توضیح از مصراع اول شروع و به مصراع چهارم ختم شوند. در برخی موارد، خلاف این ترتیب دیده می‌شود؛ مثلاً در ص ۲۳۶ (بیهده، تعبیه).

پی‌نوشت

۱. شاید بهتر بود عنوان «رباعیات مشکوک و مردود»، که بدون توضیح گویا بود، به جای این عنوان در تقسیم‌بندی سه‌گانه ذکر می‌شد.